

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۲۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: عبدال گلپریان

۲۳ تیر ۱۳۸۹، ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۰

چهارشنبه ها منتشر میشود

مریم قربان زاده یک زن حامله محکوم به سنگسار سنگسار جنایت علیه بشریت است و باید در همه جا ممنوع شود!



مردم دنیا انتظار دارد به او کمک کند.

وکیل مریم از احتمال تبدیل شدن سنگسار به اعدام صحبت کرده و میگوید تلاش میکند که این حکم را به شلاق تبدیل کند!!
صفحه ۳

در زندانی که سکینه محمدی آشتیانی در آنجا است، دو زن دیگر محکوم به سنگسار هستند. یکی از آنها مریم قربان زاده است. مریم ۲۵ سال دارد و به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج به سنگسار محکوم شده است. مریم حامله است و از

در گرامیداشت منصور حکمت

هستیم. در عین حال مخالفین سیاسییش کمتر نوشته و گفته ای را بیان کرده اند که قابل توجه و جدی باشد. اما جایگاه منصور حکمت و تاثیرات سیاست و متد و تئوریهایی که مکتوب کرده است به همین حد خلاصه نخواهد شد. واقعیت این است که دو عامل مهم هنوز اجازه نمیدهند که جامعه قامت بلند منصور حکمت را ببیند.

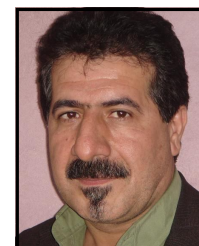
اول اینکه منصور حکمت ناچار شد که به زبان فارسی بنویسد و سخن بگوید و زبان فارسی هم به نسبت يك زبان زنده و بین المللی مانند انگلیسی زبانی محلی و محدود محسوب میشود. این محدودیت زبان فارسی عملا شامل محدود بودن دامنه تاثیرات نظرات منصور حکمت هم شده است.

صفحه ۲

که تفسیری متفاوت و موثر از مارکسیسم و کمونیسم ارائه داده است و مورد قبول لایه بزرگی از چپ ایران و عراق قرار گرفته است. خارج از اینکه با نظرات منصور حکمت موافق یا مخالف باشیم همین واقعیت که صف

طویلی از کسانی که خود را چپ، کمونیست و یا مارکسیست میدانند لاقط در دو کشور ایران و عراق از دو دهه گذشته تا کنون بیش از هر کسی در مورد تئوریهها، سیاستها و دکترین منصور حکمت قلم زده اند، این واقعیت را نشان میدهد که منصور حکمت منشا تحولاتی در تفکر و جهان بینی کمونیسم بعد از لنین بوده است.

البته در مورد نقش و مضمون و تاثیرات سیاستهای منصور حکمت اساسا بعد از مرگش ما شاهد اظهار نظر مدافعینش



محمد آسگران

تا کنون تعداد قابل توجهی از کسانی که خود را مدافع کمونیسم کارگری و یا سوسیالیسم کارگری میدانند نظر و برداشت و یا احساس خود را در مورد منصور حکمت بیان کرده اند. خارج از کم و کیف گفته های آنها این اتفاق در خود يك واقعیت را به خواننده گوشزد میکند. و آن اینکه نظرات منصور حکمت در نزد بخش قابل توجهی از چپ ایران و عراق معتبر و قابل اتکا است. در تاریخ معاصر و حتی میتوان گفت بعد از لنین منصور حکمت اولین کسی است

تلاشی شورانگیز که بشریت آزادادینخواه آن را در آغوش می گیرد



محمدامین کمانگر

يك حرکت انسانی در دو هفته گذشته و در کوتاه مدت، طول و عرض جهان را بهم پیوند زد و این همه انسان شرافتمند و آزادیخواه را در کنار هم قرار داد. تلاشی شورانگیز که بشریت آزادادینخواه آن را در آغوش می گیرد. این تلاش شروع کمپینی است که به قلب انسانهای شریفی دست می برد که

صفحه ۴

دروغ پراکنی های تازه علیه سکینه محمدی آشتیانی

صفحه ۳

بابا هرگز تو را نمیبخشم

صفحه ۴

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۵

آخرین اخبار از کارگران زندانی و فشار بر روی خانواده های کارگران زندانی

صفحه ۵

اعتراض به نپر داختن دستمزدها موضوع اعتراض هر روزه کارگران است

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در گرامیداشت منصور حکمت

از صفحه ۱



دوم اینکه جایگاه و تاثیرات نظرات منصور حکمت علیرغم میل ما در دنیای واقعی هنوز در حد نظریه به آن نگریسته میشود. برای آن بخش از جامعه هم که این نظرات را مطلع میشود یک نظریه در کنار نظریات دیگر است. اما برای ما کمونیستهای کارگری این امر روشن است که جامعه هنگامی قامت بلند منصور حکمت را میتواند ببیند که در گوشه ای از این جهان نظریات پراتیک شود و جامعه ای بر آن اساس سازمان پیدا کند. آن هنگام دیگر تنها نظریه ای در میان دیگر نظریات نیست، بلکه دکترین و علمی برای رهایی انسان از نابرابریهای جامعه سرمایه داری است.

با این حال تاثیرات منصور حکمت در میان همین محدودیتهای موجود هم تنها در حد یک نظریه نبوده و نیست. اجازه بدهید برای صحت و سقم این حکم مواردی را اینجا بررسی کنیم.

اولین نکته ای که فراتر از یک نظریه در زندگی خود منصور حکمت مهم بود و تحول جدی ای در چپ ایران هم ایجاد کرد نقد انواع نظریات حزب سازی و یا بهتر بگوییم حزب نساختن در تاریخ چپ ایران بود. در این عرصه تاثیرات منصور حکمت تنها به نقد نظریاتی و تشبیه نظریات دیگری محدود نشد، بلکه عملا با درست کردن حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری ایران خط بطلانی بر تمام تئوریهای معوج قبل از خود در این زمینه کشید.

یک موضوع مهم دیگر که از نظر راست جامعه لازم و ضروری و از نظر چپ غیر کارگری و غیر

کرده است و اکنون ظاهرا به موضوع قابل قبولی برای همه تبدیل شده است هم اشاره کرد. برای مثال دفاع از حقوق کودک، که سابقه و تاریخی در جنبشهای سیاسی ایران نداشته است. دفاع تمام و کمال از حقوق برابر زن و مرد، سکولاریسم، آزادی همه زندانیان سیاسی، جدایی مذهب از دولت، آزادی تحزب و تشکل برای همه، حقوق شهروندی و آزادی بی قید و شرط برای همه و نه تنها برای "خلق" و... همه این موارد که میتوان لیست را بسیار بیشتر هم کرد تحولاتی هستند که در تفکر حاکم بر جریانات سیاسی راست و چپ ایران بوجود آمده است. اینها دیگر تنها نظریه صرف نیستند بلکه تحولاتی در ابعاد اجتماعی هستند که فرهنگ حاکم بر اپوزیسیون جمهوری اسلامی سالها طول کشید که آنرا بپذیرد.

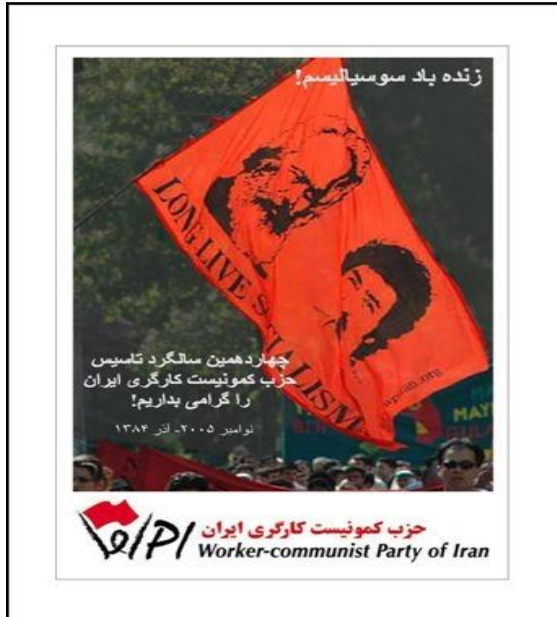
همینجا باید تاکید کنم متأسفانه بخشی از مدافعین محدودنگر منصور حکمت به دلیل آغشتگی به همان چپ سنتی و غیر اجتماعی تلاش میکنند او را نه یک مارکسیست و صاحب نظر در عرصه تئوریک، علمی و سیاسی و یا یک فعال و رهبر سیاسی مارکسیست برای رهایی کل جامعه، بلکه "یک پیغمبر کارگری" معرفی میکنند. این نوع برخورد تقدس گرایانه و غیر سیاسی و غیر اجتماعی به منصور حکمت اولین ضررش این است که منصور حکمت را متعلق به یک گروه، یک قشر و در بهترین حالت یک صنف در جامعه معرفی میکند. در حالیکه منصور حکمت متعلق به کمپی است که برای رهای بشر از نابرابریهای موجود تلاش میکند. منصور حکمت همانقدر پرچمدار رهایی طبقه کارگر است که مدافع پیگیر حق حیات و خواهان لغو مجازات اعدام است. منصور حکمت همانقدر مدافع مارکسیسم پویا و پراتیک است که مدافع حقوق کودک و رهای مردم از ستم ملی و جنسی و نژادی است و منصور حکمت همه این مورد را عین سیاست کمونیستی کارگری معرفی میکند...

این تقدس گرایی و استفاده اپورتونیستی از اعتبار این انسان بزرگ به جایی رسیده است که حتی کسانی اسم حزیشان را حکمتیست

گذاشته اند. غیر اجتماعی بودن و غیر سیاسی بودن این جریانات هنگامی قباحتش آشکار میشود که کس دیگری اسم حزیشان را "حزب مارکسیست" بگذارد. این دومی چقدر غیر منطقی و دور از ذهن به نظر میرسد، انتخاب اسم حکمتیست هم به همان اندازه با منطقی و عقل سلیم برای ساختن یک حزب سیاسی سر جنگ دارد. در بهترین حالت حتی اگر چنین جریانی ماندگار باشد جریانی ایدئولوژیک و غیر سیاسی و غیر اجتماعی خواهد بود.

این تقدس گرایی البته بخشا آگاهانه و فرصت طلبانه است، زیرا میخواهند از اعتبار این انسان بزرگ سو استفاده کنند و بخشا هم نا آگاهانه و از روی ایدئولوژی گرایی و غیر سیاسی بودن آنها اتخاذ میشود. در هر دو حالت دود اعمال نابخردانه این دوستان نادان به چشم کسی میرود که خودش در قید حیات نیست که از خودش دفاع کند و نقشی هم در تدوین این افکار و ایدئولوژیک غیر منطقی و غیر منصفانه ندارد.

برای گرامیداشت یاد این انسان بزرگ دوستان و مدافعین سیاستهای



منصور حکمت ضمن تلاش برای رسیدن به اهدافی که این انسان بزرگ برای رهایی انسان از هر نوع نابرابری و تبعیضی تدوین کرده است باید تلاش کنند که ضمن منصف بودن نتایج اعمالشان به پای خودشان نوشته شود نه منصور حکمت.

اگر صداقتی و انصافی هنوز باشد این روش به نفع همه و به نفع اعتبار سیاستهای منصور حکمت هم هست. این توصیه ای فردی است طبیعا کسی که آنرا رعایت کند انصاف و اعتماد به نفس سیاسی خود را نشان داده است.

در این دوره گرامی داشت یاد منصور حکمت شاید یکی اش همین تاکیدات باشد. اما بهترین گرامی داشت برای منصور حکمت اجتماعی کردن و معتبر کردن آرزوهایی است که بشریت برای رهایی خود به آن چنگ میزند. دفاع از حق حیات انسان و مخالفت با اعدام و سنگسار در این دوره برای ما یکی از این آرزوهای بشر است که با افتخار میتوانیم اعلام کنیم بیش از همیشه آنرا جهانی کرده ایم و در ایران هم مدافعین زیادی پیدا کرده و جنبشی حول آن شکل گرفته است.

* * *



مریم قربان زاده یک زن حامله محکوم به سنگسار ...

از صفحه ۱

اعتراض کرد. سنگسار وحشیانه و قرون وسطایی است و مجازاتی است که بدلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج و یا همجنسگرایی علیه زنان و در مواردی علیه مردان اعمال میشود.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند که به حکم سنگسار مریم قربان زاده که حامله هم هست، شدیداً اعتراض کنند.

ما خواهان لغو فوری همه احکام سنگسار در ایران هستیم. سنگسار باید در ایران و در همه جا ملغی شود.

به جنبش علیه سنگسار پیوندید.

کمیته بین المللی علیه اعدام

تلفن تماس:
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

حکومت زن ستیز اسلامی، در سالهای اخیر در نتیجه اعتراضات بین المللی مجبور به لغو احکام سنگسار بر علیه حداقل ۱۳ زن شد و در مواردی آنها را با زدن صد ضربه شلاق آزاد کرده است. یکی از این زنان کبرا بابایی بود که بعد از لغو حکم سنگسار، صد ضربه شلاق به او زدند و سپس او را آزاد کردند و طبق خبری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده، نخاع کبرا بعد از این ضربات شلاق آسیب دیده و او نمیتواند راحت راه برود. فرزندان او میگویند، دردهای شدید و آثار این شلاق زدن، زندگی مادر آنها را بسیار سخت کرده است.

اکنون در زندان تبریز يك زن جوان حامله، علیه سنگسار و یا اعدام خود مبارزه میکند. این رفتار وحشیانه با مریم قربان زاده باید در همه جا محکوم شود.

حکومت اسلامی، يك حکومت ضد انسان و ضد زن است و باید در همه جا علیه این سببیت و وحشیگری حکومت اسلامی

از سر رژیم بر نخواهد داشت. هر نوع حکم سنگسار و اعدام علیه سکینه باید رسماً ملغی شود و سکینه بعد از چند سال زندگی در کابوس سنگسار آزاد شود و به نزد فرزندان برگردد.

ما تضمین میکنیم که هر مورد اظهارات جنایتکارانه سران حکومت را به اهرمی تازه علیه این حکومت تبدیل میکنیم و دنیا را بر سر رژیم خراب خواهیم کرد. بویژه از خلال این پرونده ها کل سیستم قضائی این حکومت، از قوانین تا نحوه دستگیری بازجویی و مجازات ها و شکنجه ها و شرایط زندانهای این حکومت را نزد مردم دنیا افشا میکنیم تا دنیا بداند این حکومت در این ۳۱ سال با مردم ایران چه کرده است. حکومت اسلامی باید گورش را کم کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۳ ژوئیه ۲۰۱۰

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

دروغ پراکنی های تازه علیه سکینه محمدی آشتیانی

شلاق محکوم شده و این حکم اجرا شده است. ثانیاً پرونده قتل همسر سکینه چهار سال قبل از سوی مسئولین قضائی رژیم در همین استان بررسی شده و با توجه به اینکه سکینه نقشی در این مورد نداشته و خانواده "مقتول" تقاضای قصاص یعنی "اعدام" برای يك مرد که متهم بوده، را نکرده اند، این پرونده بسته شده است. چگونه است که مقامات حکومتی اکنون در شرایطی که دنیا علیه حکم سنگسار سکینه پیاخته مستجداً يك پرونده بسته شده را باز میکنند و در مورد آن دروغ پراکنی میکنند! آیا این جز مقابله با فشار شدید افکار عمومی بین المللی علیه حکم سنگسار سکینه نیست! کمیته بین المللی علیه اعدام اعلام میکند که این ترفندهای رژیم هم فشار را از روی او بر نخواهد داشت. امروز دنیا بیش از همیشه ماهیت کثیف و ضدانسانی این حکومت را میشناسد و دست

اطلاعیه شماره ۱۲ کمیته بین المللی علیه اعدام

سکینه را به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج به سنگسار محکوم کردند و اکنون که مردم دنیا دست به اعتراض زده اند و جمهوری اسلامی بیش از هر زمان در نزد مردم دنیا رسوا و منفور شده است، از زبان رئیس دادگستری استان آذربایجان شرقی، جایی که علیه سکینه حکم سنگسار داده شده، اعلام میکند که سکینه "قاتل و جانی خطرناک و سنگدلی" است و جنایات او چنان شنیع است که این مقامات نمیتوانند آنرا رسانه ای کنند!

اما اولا حکم سنگسار فقط و فقط بدلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج يك زن متاهل یعنی سکینه محمدی آشتیانی برای او صادر شده است و نه به هیچ دلیل دیگری و این اتهام توسط سکینه رد شده است و به همین دلیل به ۹۹ ضربه

<http://notonemoreexecution.wordpress.com>

<http://stopstoningnow.com>

minaahadi@aol.com

لیست کمکهای مالی به کمیته کردستان حزب

۱۰۰ دلار	سعید صالحی نیا
۱۰۰ دلار	نیما آزاده
۱۰۰ دلار	آقای حمیدی
۴۰ دلار	شمال اهواز
۴۰ دلار	برادران اهواز
۳۰ دلار	وحید دالاس
۲۵ دلار	نیما دالاس
۲۵ دلار	علی سیتو جامان

جمعا ۴۶۰ دلار

لازم به توضیح است که این دومین لیست ارسالی کمکهای مالی به کمیته کردستان حزب است که با کوشش رفیق ستار نوریزاد جمع آوری و فرستاده شده است. با تشکر از ستار نوریزاد و همه دوستان و رفقای که کمک مالی کرده اند.
ایسکرا

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.
اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد
(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره)
تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



بابا هرگز تو را نمیبخشم

بابا منم لادن دارم باتو حرف میزنم توی این دنیا نیستی و شاید حرفهایم را نمیشنوی اما من میگویم حرفهای دلم را ، حرفهایی که حس احترام به پدر نداشت به چشمانت خیره شوم و بگم و برزبان جاری کنم آن اندوه را، آن غم چندین ساله را و آن ظلمی که تو به من روا داشتی.

بابا تو بهترین دوستم را ازم گرفتی ، نداشتی لبخند کودکانه ام دوامی داشته باشد و روزهای قشنگ کودکانه ام رنگ آرامش به خود ببیند ، بابا جان میخوام نامه ای را که سالها پیش و با زبانی کودکانه و بادلی شکسته برای سمیرا نوشتم را برایت بخوانم میدانم حتما گوش میکنی.

سلام سمیرا جان دلم برایت تنگ شده است کسی نیست که به اندازه تو با من دوست باشد ، مثل تو مهربان

باشد ، مانند تو حرفهای قشنگ بزندی ، من را دلداری بدهد ، شادم کند و بخنداند ، تو کجایی دوست من سمیرا یادت هست که توی کوچه بازی میکردیم پدرم من را کتک زد که چرا باتو بازی میکنم ، میگفت اینها با ما کردها دشمن هستند ، ولی تو میخواستی کردی یاد بگیری و من هم بهت یاد میدادم ، میگفتی تو چقدر قشنگ به مادرت میگی دایه من هم دوست دارم مادرم را مثل تو صدا بزنی ولی فردای آن روز با دلی شکسته به من گفستی توی خونه تو را دعوا کرده اند که چرا با این بچه کرد رفیق هستی و کردی حرف میزنی ، قلبت شکسته بود و من را بغل کردی و در حالی که گریه میکردی میگفتی من تو را دوست دارم چرا نمیذارند باهم بازی کنیم ، باهم بخندیم و درس بخوانیم و شاد باشیم من هرگز فکر نمیکردم این آخرین باری باشم که تو را میبینم تو

را حس میکنم تو را بغل میکنم و نازت میکنم چون وقتی رفتم خانه بابام گفت ما از این محله میریم که تو با این ترکهها رفاقت نکنی ، من هم گریه کردم و فریاد میزدم بابا چون چرا آخه من سمیرا را دوست دارم ، بابا بخدا سمیرا میخواد کرد بشه و داره کردی یاد میگیره ولی مرا کتک زدی و داخل ماشین انداختی گفستی خفه شو بدبخت این فارسها و ترکهها عموی تو را کشته اند.

سمیرا جان خیلی دنبالت گشتم یکبار خواستم پیام همان محله ای که زندگی میکردیم تو را ببینم ولی گم شدم و یک آقایی مرا برگرداند خانه ولی من باز دنبالت گشتم سهیلا را یادت هست که همسایه ما بود از او پرسیدم که تو رامیبیند گفت که شما هم از آنجا رفته اید ، ناامید شدم و شبها گریه میکردم و با یاد تو و روزهای خوبی که باهم داشتیم به خواب میرفتم.

سمیرا جان حتما برای خودت خانمی شده ای آخه من هم بزرگ شده ام و شاید اگر ببینمت دیگه تو را نشناسم ، یکبار توی بازار مادرم داد زد که دخترخواست کجاست کجا را نگاه میکنی من هم گفتم مامان دارم دنبال سمیرا میگردم و وقتی برگشتیم خانه ، پدرم حسابی دعوایم کرد ، دیگه جرات نکردم اسمت را به زبان بیاورم.

سمیرای من دوستت دارم و آرزو دارم تو را ببینم ولی بابام میگه ما باهم دشمن هستیم ، ولی من همه انسانها را دوست دارم و میدانم تو هم همه را دوست داری چون خیلی مهربان بودی و هیچکس مثل تو مرا

دوست ندارد ، یادته یک بار عروسکت را نشانم دادی و من خوشم آمد و گفتم بابای من میگه پول ندارم که برایت عروسک بخرم و تو گفستی عروسک مال ما بچه هاست و برای ما درست کرده اند به ما چه ربطی داره که باباهای ما پول ندارند و از آن به بعد یک شب عروسک پیش من بود یک شب پیش تو ولی سمیرا جان آن عروسک الان پیش من مانده ، باور کن ازش خوب مراقبت کردم اصلا نگران نباش . دوست خویم دارم یواشکی ترکی یاد میگیرم که اگر روزی تو را پیدا کردم بابات بذاره باتو دوست باشم تو هم حتما کردی یاد بگیر . به امید دیدار مهربانم



تلاشی شورانگیز که بشریت آزاد ادبخواه ...

از صفحه ۱

جامعه بشری نیازمند حضور و وجود آنهاست.

آزادادبخواهان و انسان دوستان جهان در این مدت کوتاه بدون مرز و ملیت و رنگ و زبان و نژاد ، نامه های کمیته برعلیه اعدام و سنگسار و نامه فرزندان سکینه محمدی را بدست گرفتند . در هر یک پرچم جمع شدند و جهانشمولی انسان را فریاد زدند . به گرد پرچمی که انسانیت بر آن حاکم شده است . پرچمی که رهایی انسان علی العموم را نوید می دهد . برای رهایی یکی از همنوعان خود که تنها عکسی از او و فصل کوتاهی از سرنوشت سیاه و تاسف بارش را می دانند . هیچگاه با او نبوده اند هیچگاه او را ندیده اند و نمی شناسند . اما امروز به یمن این کمپین وسیع انسانی بسیاری از مردم جهان می دانند که سکینه با چه کابوس مرگی آنهام از ضد انسانی ترینش یعنی " سنگسار " روبروست که در طول این چهار سال حتی برای یک لحظه هم که شده کابوس این قتل فجیع او را رها نکرده است . این مسئله وجدانهای بیدار بسیاری از مردم جهان را به حرکت در آورد ،

در برجیدن کامل قوانین قرون وسطایی اعدام و سنگسار باشد . می تواند نوید بخش رهایی همه زندانیان سیاسی و نجات بخش سکینه ها که در چنگال جانپان اسلامی گرفتار شده اند باشد .

این کمپین فصلی را گشود که در نوع خود بی نظیر بود . این کیس یک واقعه بسیار مهم سیاسی است که باید روی آن مکث کرد و دید که چگونه اعتراضات جهانی مسیر خود را علیه نظام اسلامی طی می کند . دخالت بسیار وسیع مردم علیه قوانین ارتجاعی نظام اسلامی و فشار وسیع افکار عمومی به دولتها در سطح جهان کاری کرد که رسانه های مهم بین المللی کرکره های سازش و مماشات تا کنونی خود را بالا زدن و در مورد سکینه و احکام اسلامی صادره در مورد او نوشتند ، گفتند و عکس او را پخش کردند و این حکم ضد انسانی و قرون وسطایی نظام اسلامی را محکوم کردند . با وجود اینکه این رسانه ها مدتهاست که کمپین علیه اعدام و سنگسار را می شناسند چهره ها و مسئولین این نهادهای بین المللی نظیر مینا احدی و مریم نمازی را می شناسند و میدانند که با اینچنین

کمپینهایی جان دهها انسان از مرگ حتمی نجات یافته است اما آگاهانه از آنها نامی نمی بردند . ولی فشار افکار عمومی مردم جهان مسیر این حرکت را تغییر داد و وارد مرحله دیگری کرد . امروز این رسانه ها می دانند که باید مکرر را به سینه چه کسانی سنجاق کنند تا با شهادت و شجاعت تمام علیه نظام اسلامی ایران ، قوانین شریعه و اسلام سیاسی و این هیولای آدمخوار انسانیت را نمایندگی کنند . ابعاد توده ای این کمپین جهانی هر روزه گسترده تر می گردد و هر انسانی که قلبش برای انسانیت می زند ، خود را در آن جای می دهد . چنان وسیع که از طرفی دولتهایی را که تا دیروز با رژیم اسلامی مماشات می کردند و ادار کرده است که امروز انزجار خود را از این حکم ضد انسانی بیان کنند و صدای خود را علیه حکومت اسلامی بلند کنند . از طرف دیگر این کمپین چنان ماهیت ضد انسانی قوانین اسلامی را افشا و رسوا کرده که صدای فاشیستهای اسلامی را در آورده است .

ایرنا خبر داد : که در روز هیجده تیر محمد لاریجانی گفت " نظام قضایی با تهاجم رسانه ای مسیر خود را تغییر نخواهد داد ."

ایشان در رابطه با ابعاد وسیع و جهانی این کمپین می گوید که "هجمه ای که غرب در این رابطه بکار انداخته ، هیچ تأثیری در نظر قضات ما ندارد . اجرای احکام شرع مقدس اسلام مثل رجم (سنگسار) حجاب و ارث همواره با تخاصم و قیحانه آنها روبرو بوده و اساساً هر مسئله ای که بوی احکام شرعی داشته باشد . با مخالفت آنها روبرو می شود ."

ایشان تأکید می کنند که " قضات ما بر اساس قانون حکم را صادر می کنند و انتظار ما اجرای دقیق قانون است و از آنها می خواهیم با دقت مسیر دادرسی را پیگیری کنند ."

لاریجانی راست می گوید . فلسفه وجودی نظام اسلامی ایران دقیقاً بر زندان ، سنگسار و اعدام ، دست و پا بریدن ، چشم درآوردن ، اسیدپاشی ، از بلندی پرتاب کردن و ترور کردن بنا شده است این قانون نظام اسلامی است . باید این غده سرطانی را از جامعه بشری ریشه کن کرد .

زنده باد انسانیت

۱۱ ژوئیه ۲۰۱۰

اخباری از شهرهای کردستان

محکومیت جهانگیر عبدالهی به پنج سال حبس تعلیقی



جهانگیر عبدالهی فعال دانشجویی روز چهارشنبه، شانزدهم تیرماه از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی پیرعباسی به ۵ سال حبس تعلیقی محکوم شد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، جهانگیر عبدالهی به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق همکاری با احزاب کرد" به ۵ سال زندان تعلیقی محکوم شده است.

عبدالهی دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران و دبیر کانون فرهنگی دانشجویان کرد دانشگاه تهران است.

این فعال دانشجویی بهمن ماه سال گذشته در جلوی خوابگاه دانشگاه تهران از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد و چندین ماه را تحت فشار و شکنجه جسمانی در زندان اوین به سر برد.

در طی مدت بازداشت بازجویان پرونده بارها وی را تهدید کرده بودند که مانند دیگر زندانیان سیاسی اعدامش خواهند کرد!

جهانگیر عبدالهی به تازگی و با سپردن وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی به طور موقت از زندان آزاد شده بود.

جوانان معترض در پارک امیریه سنندج علیه رژیم شعار سر دادند

عصر روز چهارشنبه ۱۶ تیرماه بعد از اتمام مسابقه فوتبال جوانان معترض در پارک امیریه سنندج علیه رژیم شعار دادند و مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ برخامنه ای سردادند و بدنبال آن روز بعد نیروهای ضد شورش رژیم از صبح تا عصر روز ۵ شنبه در هراس از گسترش اعتراضات ضدحکومتی در خیابانها و معابر اصلی شهر سنندج نظیر خیابان فردوسی و خیابان ششم بهمن و خیابان انقلاب و میدان آزادی مستقر شدند.

اعتصاب مجدد کارگران سد مخزنی ژاوه در سنندج



کارگران سد مخزنی ژاوه در سنندج صبح روز، شنبه نوزدهم تیرماه، دست به اعتصاب زدند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، کارگران برای چندمین بار در طول ماه های گذشته و در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق معوقه خویش در مقابل دفتر شرکت پیمانکار این سد در محوطه کارگاهی این سد اعتصاب کردند. زمان اعتصاب قبلی آنها برای احقاق

حقوق خود مربوط به اواخر خردادماه سال جاری بود.

بیش از ۳۰۰ کارگر شاغل در پروژه ساخت این سد از اواخر سال گذشته تاکنون دستمزدهای معوقه خود را دریافت نکرده اند و دستکم ۱۵ تن از کارگران در فروردین ماه سال جاری بدون دریافت حقوق معوقه از کار اخراج شده بودند. کارگران سد مخزنی ژاوه در سنندج، در وضعیت معیشتی بسیار بدی به سر می برند.

کشف جسد یک فعال سیاسی در سنندج



بنا به خبر خبرگزاری سناه نیوز جسد یکی از فعالان سیاسی شهر سنندج در اطراف این شهر کشف شد.

جسد فعال سیاسی وریا خالدیان در منطقه ای در حد فاصل جاده مریوان سنندج کشف گردید. جسد این فعال سیاسی در حالی کشف گردید که نامبر ده از دو ماه قبل ناپدید شده بود و تاکنون اطلاعی از دلایل مفقود شدن و مرگ وی در دست نیست.

بازداشت نعمت اسدی، دبیر اخراجی آموزش و پرورش کردستان

نعمت اسدی، دبیر اخراجی آموزش و پرورش کردستان، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به

مکان نامعلومی منتقل شده است. حدود ۲۰ روز پیش نعمت اسدی، دبیر اخراجی رشته حسابداری و از فعالین مدنی در سنندج بار دیگر توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی اش دستگیر شد.

مأموران ضمن تفتیش منزل و ضبط کیس کامپیوتر، کتاب ها و یادداشتهای ایشان خانواده وی را نیز تهدید نموده اند که در صورت انعکاس موضوع با عواقب ناگوار آن روبرو خواهند شد.

اما پیگیری های خانواده وی تاکنون نتیجه ای در پی نداشته و نتوانسته اند از مکان نگهداری و علت بازداشتش مطلع شوند. نعمت اسدی که به عنوان همکار هفته نامه "ژیوار" به فعالیت های مطبوعاتی مشغول بود، پیش تر نیز به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" مدتی را در بازداشتگاه ها و زندان های جمهوری اسلامی به سر برده است.

آزاد خوانچه زر بازداشت وزندانی شد



بنا به گزارش انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران روز دوشنبه ۲۱ تیر ماه، دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان مریوان یکی از فعالان اجتماعی بنام آزاد خوانچه زر را احضار و بازداشت کرد.

آزاد خوانچه زر عضو کانون دفاع از حقوق کودکان مریوان است. این فعال اجتماعی در سالهای گذشته چندین بار توسط نیروهای امنیتی بازداشت و زندانی شده است. آزاد خوانچه زر بعد از تحمل يك دوره طولانی زندانی و شکنجه با قید وثیقه بیست میلیون تومانی تابستان سال ۸۸ از زندان آزاد شد. اما نیروهای امنیتی بطور مداوم به اذیت و آزار این فعال مدنی و خانواده اش پرداختند.

دادگاه انقلاب شهرستان مریوان اوایل سال جاری آزاد خوانچه زر را به اتهام شرکت و برگزاری مراسم روز جهانی کودک، جشن آدم برفی ها، روز جهانی زن و شرکت در جمعاعات غیرقانونی علیه قتل های ناموسی، اقدام علیه امنیت ملی به شش ماه حبس تعزیری، و دو سال حبس تعلیقی محکوم کرد.

آزاد خوانچه زر به حکم صادره اعتراض و پرونده به شعبه تجدید نظر دادگاه انقلاب اسلامی ارسال که بعد از بررسی حکم صادره در شعبه تجدید نظر مورد تایید قرار گرفت و برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادگستری شهر مریوان ارجاع گردید. شعبه اجرای احکام امروز دوشنبه با احضار وثیقه گزار و فشار به خانواده خوانچه زر آنها را مجبور به تحویل فرزندشان به دادگاه انقلاب کرد. پس از مراجعه آزاد به شعبه اجرای احکام بلا فاصله مامورین امنیتی ایشان را دست بند زده و به زندان بردند.

لازم به ذکر است که دادگاه انقلاب مریوان در همین ارتباط مظفر روخنده و کاروان دره سید را به هریک دو سال حبس تعلیقی محکوم کرده است.

کارگر زندانی آزاد باید گردد

آخرین اخبار از کارگران زندانی و فشار بر روی خانواده های کارگران زندانی

گذشته طی تماسی تلفنی از همسر رضا شهابی خواسته اند که جهت پاسخگویی به برخی سوالات در خصوص همسرش، تحت عنوان تسهیل آزادی وی، به یکی از نهادهای اطلاعاتی رژیم مراجعه کند. این درحالیست که منصور اسانلو رئیس سندیکای شرکت واحد چهار سال است در زندان است و در

تا کنون هیچگونه تماسی با خانواده اش نداشته است. مزدوران جمهوری اسلامی بعد از دستگیری به منزل مادر وی هجوم بردند و منزل آنها را مورد تفتیش قرار دادند. رضا شهابی نیز فقط يك بار با خانواده اش تماس تلفنی داشته است و بنا به گزارشات منتشر شده از سوی سندیکای شرکت واحد طی روزهای

بیش از یکماه از دستگیری سعید ترابیان و رضا شهابی از کارگران سندیکای شرکت واحد و چهره های محبوب و شناخته شده کارگران واحد میگذرد. سعید ترابیان که از بیماری قلبی رنج میبرد و در سال گذشته دچار سکته قلبی شد، اکنون در بند ۲۰۹ اوین زیر فشار بسر میبرد و از ۱۹ خرداد

این مدت بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفته و با وجود اینکه از بیماری چشم و بیماریهای متعددی رنج میبرد، نه تنها به او فرصت معالجه نداده اند، بلکه او را به زندان گوهردشت انتقال داده و در آنجا چندین بار مورد ضرب و شتم قرار داده و هر از چندی با دسیسته ای به بند انفرادی منتقلش کرده اند. در ادامه همین فشار ها، منصور اسانلو در ۹ تیر ماه با وارد کردن اتهامات واهی جدیدی به شعبه ۶

اعتراض به نیر داختن دستمزدها موضوع اعتراض هر روزه کارگران است



**اعتراض و تجمع کارگران
شهرداری منطقه پنج اهواز**

جمعی از کارگران خدمات شهری وابسته به شهرداری منطقه پنج اهواز در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه دستمزد و همچنین مطالبات دو ساله خود شامل حق لباس، بیمه، حق سنوات، سختی کار و عیلهی دست از کار کشیدن، روز سه شنبه پانزدهم تیرماه، کارگران معترض با تجمع در مقابل ساختمان اداری شهرداری این منطقه با طرح مطالبات خود خواهان پاسخ گویی مسئولین شدند. حدود ساعت یازده صبح ماموران انتظامی مستقر در محل، با توسل به تهدید و ارباب در صد پراکنده کردن

کارگران برآمدند. کارگران شهرداری همچنان برخواسته های بحق خود اصرار داشتند و به وضعیت معیشتی اسفبار خانواده های خود و بی توجهی سیستماتیک مقامات به مشکلاتشان اعتراض میکردند. تا کنون هیچ ارگان و اداره دولتی، به خواست برحق این کارگران پاسخی نداده است.

تجمع کارگران چینی البرز قزوین

بیش از صد و هشتاد نفر از کارگران چینی البرز قزوین روز سه شنبه پانزدهم تیر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد یکساله خود و انحلال شرکت، در مقابل درب اصلی کارخانه تجمع برپا کردند. کارگران این واحد صنعتی بجای دریافت دستمزد ماهانه، حدود دوازده ماه است که تنها دویار و هریار یک میلیون تومان، در مجموع دومیلیون تومان بصورت موقت دریافت کرده اند. بدین ترتیب

خاروبار و نیز مواد بهداشتی که بیشتر به کارگران تعلق می گرفت نیز امتناع کرده است. کارگران قرار دادی کارخانه روغن نباتی ناب، در اعتراض به وضعیت فلاکت بار معیشتی خود بارها دست به اعتراض زده اند. اما کارفرما با پاسخی بی سروته و وعده های دروغین اقدامی در جهت رفع مشکلات کارگران انجام نداده است. وضعیت بسیار ناگوار معیشتی کارگران و خانواده های آنان را در تنگنایی جنی و دشوار قرار داده است.

نپرداختن دستمزد ناچیز کارگران، تحمیل فقر و مصیبت و بردگی به آنان و خانواده هایشان توسط کارفرمایان خصوصی و دولتی جنایتی آشکار علیه کارگران است. هیچ عذر و بهانه ای نپرداختن دستمزد کارگران را توجیه نمی کند. دستمزدهای پرداخت نشده، معضل بخش عظیمی از کارگران در سراسر ایران است. هم اکنون در بسیاری از این مراکز تجمع و اعتراض برای دستمزدهای پرداخت نشده، به امری

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ تیرماه ۱۳۸۹
۱۲ ژوئیه ۲۰۱۰

مقابل این فشارها بایستیم. همراه با خانواده های کارگران زندانی به این دستگیری ها اعتراض کنیم. طومارهای اعتراضی بنویسیم و همه جا را با شعار کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد پر کنیم. اولتیماتوم به اعتصاب و تجمع بدهیم.

**کمپین برای آزادی
کارگران زندان
شهرلا دانشفر:**
۹۸۹۶۸۷۷۷۹۸-۰۰۴۴
Shahla_Daneshfar@yahoo.com
آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای
هرزنامه محافظت شده اند، جهت
مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن
جاوا اسکریپت دارید
بهرام سروش:
۳۳۸۲۳۴۷۸۵۲-۰۰۴۴
Bahram.Sorush@gmail.com

۱۸ تیر ۱۳۸۸، ۹ ژوئیه ۲۰۱۰



هاشم پور دیگر فعالین کارگری در شهر اشونیه نیز احضار شده اند. این کارگران در سال گذشته نیز از ۸ اسفند ماه به مدت ۱۲ روز در بازداشت زندان سپاه پاسداران واقع در ارومیه بسر بردند و هر کدام با وثیقه ۱۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند. علاوه بر کارگران هم اکنون تعدادی از معلمان نیز در بازداشت جمهوری اسلامی بسر میبرند. این کارگران، این معلمان در زندانند و برای آنها پرونده قضایی تشکیل شده و دائماً زیر فشار و تهدید قرار دارند، برای اینکه حق و حقوقشان را طلب کرده اند. برای اینکه تشکل، اعتصاب و برپایی اول مه را حقوق پایه ای خود دانسته و برای آن تلاش کرده اند. برای اینکه خواهان یک زندگی انسانی هستند.

جمهوری اسلامی بر فشارهایش بر رهبران کارگری شدت داده است، تا در دل اوضاع پر التهاب امروز جلوی سازمانیابی و اعتراض متحد کارگران را بگیرد. با تمام قدرت در

کارگر زندانی آزاد باید گردد. . .

از صفحه ۵

این سندیکااست که هم اکنون در زندان گوهر دشت زندانی است و به دو سال زندان محکوم شده است. بدین ترتیب سعید تریابیان، رضا شهابی، منصور اسانلو و ابراهیم مددی از کارگران سندیکای واحد در زندانند و خانواده های این کارگران زیر فشار و تهدید. بطوریکه خانم پراوانه اسانلو در گفتگویی اظهار داشت که اگر اتفاقی برای خانواده ما بیفتند بانی آن جمهوری اسلامی است.

همچنین یکی دیگر از فعالین کارگری دستگیر شده، بهنام ابراهیم زاده کارگر لوله سازی پلی اتیلن شورآباد شهر ری است. او عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل آزاد کارگری از فعالین دفاع از حقوق کودک است. بهنام در روز شنبه ۲۲ خرداد در تهران دستگیر و به زندان اوین منتقل شده است. بنا به اخبار در هنگام دستگیری بهنام ابراهیم زاده مورد ضرب و شتم زیادی قرار

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!